



په اروپا کی دمیشته افغانانو د ټولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

نامه فارو به مناسب روز صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر

فقدان توجه به ناامنی دایمی* نقض آشکارای یکی از حقوق بشری شهروندان

۱۰ دسمبر ۲۰۱۷

کمیته حقوق بشر "فارو" این سال در تجلیل از دهم دسامبر - روز صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر - به یکی از اساسی ترین حقوق بشری اتباع توجه مبذول داشته است، این حق، حقوق داشتن امنیت در زندگی شخصی و اجتماعی می باشد.

افغانستان کشوری است که مجموعه تقریباً کامل نابسامانی های سیاسی، نظامی، اقتصادی، تناقضات متنوع و کثیر البعدی اجتماعی در آن در جریان بوده و میدان جنگ های نیابتی و تصفیه حساب ها ست و به سبب موقعیت مساعد جیو پولیتیکی و سوق الجهشی، جو جنگی و ساختمان پیچیده جغرافیایی اش محل خوبی برای افرای ترین عناصر تروریست دنیا شناخته شده است، بی ثباتی عمر چهل ساله دارد، سال ها ست که در این سرزمین نیاز های انسانی فراموش شده است، مافیای اقتصادی که در بعضی از گروه های سیاسی نظامند گردیده است، وجود و فایده اش را در ناامنی می بیند، ناامنی گراف جرایم را روز تا روز بالاتر می برد، نامردمی در سیاست های نظام و برخی از گروه های سیاسی مشاهده می شود، اصلاً مردم و نیاز های شان در مرام ها غایب اند، حالت جنگی سالمند بهانه ای به این فراموشی مردم در زمینه های مختلف قلمداد می شود. حضور نیرو های خارجی و جنگ و ناآرامی، مردم را چنان سرگیج کرده است که همه تصور میکنند، خارجی ها اند که کشور را باید محافظت بنمایند، خارجی ها اند که امنیت یک یک اتباع را تأمین کنند.

مشکل دیگر اینکه کرختی نظام در برابر بی امنیتی، هرگونه امیدی مبنی بر کاهش و زدودن بی امنیتی را زایل گردانیده است و هر روز بی امنیتی چنان دامنه گسترده ای می یابد که دیگر شهروندان در خانه و شهر و جاده و کوچه به راحتی اقامت و گشت و گذار کرده نمی توانند، هزاران تاجر و سرمایه دار کشور به علت ناامنی از وطن فرار کرده اند. صد ها هزار جوان کشور به علت نبود مصونیت و امنیت وطن را ترک و آواره چهار کنج دنیا شده اند، نسلی که می باید در دفاع از وطن شان و اعمار اقتصادی و... آن نیروی اساسی باشد، به این صورت به هدر میرود.

عوامل عمده ناامنی می توانند این ها باشند، جنگ سالمند چهل ساله، حضور تقریباً ۲۹ گروه تروریستی، به شمول داعش، القاعده، طالبان و... که تعداد کثیر این گروه ها ریشه و تنه برونی و خارجی دارند، قوای مسلح خارجی که در محدوده تعهدات قراردادی، محار شدن شان دشوار است، قوای مسلح دولت متأثر از ضعف و فساد مدیران بوده، در بعضی اوقات تجربه کاری نا کافی از خود بروز میدهد و بعضاً قابل نفوذ برای دشمن نیز میگردد، نظام اقتصادی بازار توام با انارشی اقتصادی و مالی، بیکاری و فراموشی کامل اجتماعی ساختن پلان ها و پروژه های اقتصادی و صرفاً مکانیکی بودن این پلان ها و پروژه ها و از همه اساسی تر غیابت جدی حاکمیت و دولت به مثابه نیروی اداره و سمت دهنده جامعه در بسیاری از عرصه ها، مشغولیت و مجادله جناح های رقیب در درون حاکمیت جهت کسب هر چه بیشتر و گسترده تر سلطه، نبود تعهد و مراقبت لازم برای مراجع مربوط تأمین امنیت و عوامل

و انگیزه های متعدد دیگر باعث آن گردیده تا حاکمیت هم در سطح حفاظت امور داخلی و نیز حراست در حوزه خارجی عاجز مانده و **بیم آن موجود است** که مادام العمر در تأمین امنیت خارجی محتاج قوای خارجی موجود در کشور باشد. براساس پیمان های منعقد شده با خارجی ها تأمین امنیت داخلی کشور برعهده خود دولت افغانستان است؛ این امنیت داخلی نه تنها شامل نگهداری تمامی ارضی، حفظ حاکمیت ملی، نظم عمومی، حفاظت دارایی ها و تأسیسات عمومی و داشته های از این دست میگردد بلکه از همه اولتر حفاظت و تأمین امنیت اتباع یا شهروندان را نیز در برمیگیرد، زیرا حق داشتن امنیت براساس ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر برای انسان به اینگونه تثبیت شده است: « هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» محتوای این ماده در مواد ۶، ۷، ۸، و ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به طور مبسوطی شرح گردیده و دولت ها مکلف به رعایت و تأمین آن گردیده اند. در ماده پنجم قانون اساسی افغانستان آمده است که: « تطبیق احکام قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی و **تأمین امنیت** و قابلیت دفاعی از وظایف اساسی دولت می باشد.» ولی در عمل طرح های امنیتی دولت بیشتر سیاسی طرح میشود، به این تعبیر که اختلافات داخل نظام و نیاز های گروه های متفاوت سیاسی و تباری، بعضاً جهت و سمت تطبیق پلان های امنیتی را تغییر میدهد، از سوی **دیگرامکانات** تأمین امنیت بدون هدفمندی دقیق به صورت مکانیکی اجرا می شود و نتیجه آنکه حقوق اتباع مبنی بر امن بودن حیات و امور روزمره شان، ستر امنیتی مطمئن نمی تواند داشته باشد. سران گروه ها، قوماندانان و ثروتمندان تازه به دوران رسیده، امنیت را با پول های بادآورده می خرند، یعنی امنیت که می باید **بمنابه** یک خدمت عامه با امکانات دولتی و عمومی فراهم آید و همه به طور مجانی و قانونی از آن بهره مند گردند، به یک خدمت انفرادی و غیر مجانی مبدل گردیده است که تقریباً بیش از ۹۰ فیصد شهروندان از آن محروم میگردند، این امر باعث آن گردیده است که **بخشی** از مردم به خدمت امنیت به حیث یک خدمت شخصی بنگرند و بالنتیجه توقع، دلچسپی و احساس مسؤلیت شان را در قبال امور عمومی منجمله امنیت از دست بدهند، که چنین هم شده است. از نگاه این **نهاد**، دولت باید در قبال تأمین امنیت، به موضوع امنیت اتباع واقعبینانه و مسؤلانه نگریده و وظایف و مکلفیت های خویش را به طور ثمر بخش و سودمند ادا نماید، زیرا نوع نگاه و طرز اجراء مردم مدار دولت به امنیت جانی و امور روزمره حیات شهروندان موقف مسؤلیت پذیرانه مردم را در سهم گیری شان پیرامون امور عمومی پرورش و تقویه می کند. توجه مرجع و جدی دولت به امنیت شهروندان زمینه آنرا فراهم می سازد تا مردم خود نیز در تأمین امنیت سهم بگیرند نقش و سهم مردم در اعاده و تأمین امنیت اثر تعیین کننده در این عرصه خواهد داشت.

کمیته حقوق بشر فارو